

کتاب دانیال - شماره چهارم و هفت

افشای آموزه‌های گمراه‌کننده: تحلیل انتقادی از دانیال ۸ و چالش‌ها برای الهیات ادونتستی

Jeff Pippenger

2024-01-11

وقتی شاخ کوچک روم در آیات ۹ تا ۱۲ باب هشت دانیال تصویر می‌شود، نمادی تحریف‌شده است؛ زیرا نماد مبدل‌پوشی است، یعنی شخصی که لباس جنس مخالف می‌پوشد و میان مذکر و مؤنث در نوسان است. این با برداشت پیروان میلر سازگار است که بر اساس آن، روم در دو مرحله نمایانده می‌شود: مرحله نخست، قدرت دولتی روم و مرحله دوم، قدرت کلیسایی روم؛ اما در نوسان جنسیت‌ها در این آیات، شاخ کوچک از توالی تاریخی و نبوی خارج است (تحریف‌شده). با این همه، هر یک از این چهار آیه تاریخی را باز می‌نمایاند که مستقیماً با یکی از دو قدرت روم، یعنی قدرت دولتی یا قدرت کلیسایی، پیوند دارد. روم و ثنی همه کسانی را که در برابر اقتدار امپراتوری‌اش مقاومت می‌کردند آزار و شکنجه می‌کرد، اما آزار و شکنجه روم پاپی (مؤنث) در آیه ده به‌طور مشخص متوجه آسمان است.

در برداشت میلریتی‌ها مبنی بر اینکه روم پادشاهی چهارم و نهای بود، نوسان از دولت به کلیسا، از کلیسا به دولت و دوباره به کلیسا جای نگرانی نداشت. آنان آمیزش آهن و خاک رس را در پاهای تندیس باب دوم دانیال دیده بودند و آن را به سادگی دو مرحله روم می‌فهمیدند، بی‌آن‌که دغدغه‌ای برای تعیین یک توالی تاریخی مشخص برای پادشاهی چهارم و پنجم داشته باشند. باب هفتم را نیز همین‌گونه می‌فهمیدند؛ جایی که شاخی که سخنان بزرگ بر ضد خدای متعال می‌گفت، سه شاخ را از میان ده شاخ اصلی وحش روم برکند. حتی اگر میلر نوسان جنسیت آیات ۹ تا ۱۲ را هم تشخیص داده بود، این امر در درک او از اینکه پادشاهی چهارم روم است، اهمیت نداشت. در برداشت میلریتی‌ها، پادشاهی چهارم در سال ۱۷۹۸ پایان یافت و رویداد نبوی بعدی ظهور دوم مسیح بود.

شاخ مؤنث زن را که با شاخ مذکر مرتکب زناکاری روحانی می‌شود، مشخص می‌کند و در آیات ده و دوازده نشان داده شده است.

و بزرگ شد تا به لشکر آسمان نیز رسید؛ و بعضی از لشکر و از ستارگان را به زمین افکند و آنها را پایمال کرد. دانیال ۸:۱۰

آزار و اذیت قدرت پاپی متوجه مسیحیت بود (لشکر آسمان)، و در آیه دوازده، رم پاپی (مؤنث) قدرت می‌یابد تا از طریق گناه زنا با پادشاهان اروپا کار آدمکشانه خود را به انجام برساند.

و به سبب عصیان، سپاهی بر ضد قربانی دائمی به او داده شد، و راستی را به زمین افکند؛ و عمل کرد و کامیاب شد. دانیال ۸:۱۲.

«host» در آن آیه نمایانگر قدرت نظامی‌ای است که به دستگاه پاپی، به تعبیر «daily» the daily داده شد. واژه «against» به معنی «from» است. از پادشاهان بت‌پرست اروپا (روم بت‌پرست) که با «daily» daily نمایانده شده‌اند، پشتیبانی نظامی (یک لشکر) به دستگاه پاپی به سبب تعدی داده شد. ترکیب کلیسا و دولت، با تسلط کلیسا بر این رابطه، همان «تعدی» است. شراب آن تعدی، خون مسیحیان است. وقتی دستگاه پاپی بر لشکرهای روم بت‌پرست تسلط یافت، روم پاپی («آن») «حق را به زمین افکند؛ و عمل کرد و کامیاب شد.»

در کتاب دانیال، باب یازدهم، آیه سی و یکم، واگذاری ارتش‌ها به رم پاپی نیز به تصویر کشیده شده است:

و سپاهیانی از جانب او برخواهند خاست، و مقدس حصین را ناپاک خواهند کرد و قربانی دائمی را از میان برخواهند داشت، و آن پلیدی ویرانگر را برپا خواهند داشت. دانیال ۱۱:۳۱.

این آیه گذار تاریخی از روم بت‌پرست به روم پاپی را نشان می‌دهد. در آیه، «بازوها» پادشاهان اروپایی‌اند که از سال 496، با کلویس، پادشاه فرانک‌ها (فرانسه)، به حمایت از پاپ برخاستند. این «بازوها» همچنین «قدس قوت» (شهر روم) را به واسطه جنگ‌های پیوسته از سده چهارم تا سال 538 آلوده کردند. «بازوها» نیز مقاومت بت‌پرستان در برابر برآمدن پاپی را از میان برداشتند و تا سال 508 این مقاومت پایان یافت.

واژه‌ای که به «برداشتن» ترجمه شده، واژه عبری «سور» است و به معنای «از میان برداشتن» است. «بازوها» «رجاست ویرانگر» (پاپیت) را در سال ۵۳۸ بر تخت زمین نشانند. هنگامی که دانیال باب هشتم، آیه دوازدهم بیان می‌کند که «یک لشکر» به شاخ کوچک مؤنث داده شد، این با شهادت آیه سی و یکم باب یازدهم موافق است. کتاب مکاشفه نیز در باب سیزدهم به همین حقیقت شهادت می‌دهد.

و آن وحشی که دیدم شبیه پلنگ بود، پاهایش مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر بود؛ و ازدها قدرت خود، تخت خود و اقتداری عظیم به او داد. مکاشفه ۱۳:۲.

خواهر وایت به‌طور مستقیم وحش آیه دو را نهاد پاپی می‌داند و بیان می‌کند که ازدهایی که در آن آیه آمده، روم بت‌پرست است. روم بت‌پرست سه چیز به نهاد پاپی داد: «قدرت خود، تخت خود، و اقتداری عظیم».

قدرت نظامی از سوی روم بت‌پرست واگذار شد و آغاز آن با کلویس در سال ۴۹۶ بود. «کرسی» حکومت در سال ۳۳۰ به نهاد پاپی داده شد، زمانی که امپراتور کنستانتین پایتخت خود را به قسطنطنیه منتقل کرد و شهر پایتخت پیشین خود، روم، را به کنترل کلیسای پاپی واگذاشت. در سال ۵۳۳، امپراتور ژوستینیان فرمان داد که پاپ رئیس کلیسا و اصلاح‌کننده بدعت‌گذاران است و «اختیار بزرگ» خود را به پاپ روم واگذار کرد. آیه دوازدهم از باب هشتم دانیال زمانی را مشخص می‌کند که یک «لشکر» داده شد، و آن حقیقت نبوی به شهادت گواهان بسیاری تأیید شده است. از آن زمان (آغاز از سال ۴۹۶)، نهاد پاپی «رونق یافت».

این به «عمل کردن» و «کامیاب شدن» ادامه می‌داد تا زمانی که غضب علیه پادشاهی شمالی اسرائیل در سال ۱۷۹۸ پایان یافت و پاپیت زخم مرگبار خود را دریافت کرد.

و آن پادشاه بر وفق اراده خویش عمل خواهد کرد؛ و خود را خواهد افراشت و خوبستن را برتر از هر خدایی خواهد گردانید، و سخنانی شگفت بر ضد خدای خدایان بر زبان خواهد آورد، و کامیاب خواهد بود تا زمانی که غضب به کمال رسد؛ زیرا آنچه مقرر شده است انجام خواهد شد. دانیال ۱۱:۳۶.

آیه نهم باب هشتم، روم مذکر (روم بت‌پرست) را توصیف می‌کند و فرایند فتح سه‌مرحله‌ای را که روم بت‌پرست به انجام رسانید نمایندگی می‌کند؛ فرایندی که نماد سه ناحیه جغرافیایی بود که لازم بود فتح شوند تا روم پاپی بر تخت زمین استقرار یابد؛ چنان‌که سه شاخی که در باب هفتم برکنده شدند، آن را نشان می‌دادند. آن دو فتح سه‌مرحله‌ای روم بت‌پرست و روم پاپی، در آیات چهل تا چهل‌وسه باب یازدهم دانیال، نمایانگر سه مانع جغرافیایی روم معاصر بودند. سپس در باب هشتم، آیه یازدهم، شاخ

کوچکِ مذکر (روم بت پرست) بار دیگر نمایانده می‌شود. در آن آیه، منطق مقدس آن‌چنان استوار است که مردان استهزاگری که بر اورشلیم حکومت می‌کنند و ادار شدند برای برپا کردن بنیاد جعلی خود چندین دروغ الهیاتی را مطرح کنند.

آری، او خود را تا حد سرور سپاه برکشید، و به دست او قربانی روزانه از میان برداشته شد و جایگاه مقدس او به زیر افکنده شد. دانیال ۱۱:۸.

همان‌گونه که پرداختن به سکه‌ها و جواهرات جعلی‌ای را که از سال ۱۸۶۳ به ادونتیسیم وارد شده‌اند آغاز می‌کنیم، باید توجه داشت که دو حوزه‌ی اصلی تخصص الهیاتی ادعایی وجود دارد که ادونتیسیم به آن‌ها می‌بالد و آن‌ها را مبنایی برای حفظ آموزه‌های پروتستانتیسم مرتد و کاتولیسیسم قرار می‌دهد. ادعای متألهان معاصر ادونتیسیم این است که آنان یا در تاریخ کتاب مقدس متخصص‌اند، یا در زبان‌های کتاب مقدس. نحوه‌ی به‌کارگیری آن آیه از سوی آنان آشکار می‌کند که کلام نبوت برای ایشان همچون کتابی مهر و موم شده است، و نیز نشان می‌دهد که ادعای آنان مبنی بر متخصص بودن در زبان‌های کتاب مقدس چیزی جز تجلی امروزی فریسی‌گری نیست.

نخست، بی‌اعتنایی به نوسان جنس‌های دستوری در مورد شاخ کوچک در آیات نه تا دوازده است. اگر واقعاً در زبان عبری متخصص بودند، این واقعیت را نه انکار می‌کردند و نه کم‌رنگ جلوه می‌دادند که دانیال عمداً در آن آیات از نوسان جنسیت دستوری بهره برده است. شاخ کوچک در هر دو جنس دستوری بازنمایی شده و این جنس‌ها در سراسر آیات رفت‌وآمد می‌کنند. الهی‌دانان می‌کوشند این واقعیت را با یاهوها و سکه‌های تقلبی بپوشانند، زیرا به روشنی نشان می‌دهد که آیه‌ی یازده روم مشرک را، نه روم پاپی، معرفی می‌کند. آن‌ها البته اصرار دارند که شاخ کوچک آیه‌ی یازده پاپ است، حال آن‌که در واقع روم مشرک است.

وقتی پذیرفته شود که از چهار آیه مربوط به شاخ کوچک، دو تا مذکر و دو تا مؤنث‌اند، آنگاه به‌سادگی می‌توان این حقیقت کتاب مقدسی را در نظر گرفت که در نبوت کتاب مقدس، زن نمایانگر کلیساست و مرد نمایانگر دولت. دانستن این امر به همه کسانی که می‌خواهند ببینند امکان می‌دهد دریابند که شاخ کوچک آیه یازدهم، روم مذکر (روم بت پرست) است، نه روم مؤنث (روم پاپی).

پس آیه چنین فهمیده می‌شود که تعلیم می‌دهد روم بت پرست (او) خود را تا به سرور لشکر بزرگ ساخت، همان‌گونه که روم بت پرست چنین کرد وقتی سرور لشکر را بر صلیب جلجتا قرار داد. نه تنها روم بت پرست در واقعه صلیب بر ضد مسیح خود را بزرگ ساخت، بلکه آیه در ادامه می‌گوید که به دست او (روم بت پرست) "قربانی دائمی برداشته شد."

در کتاب دانیال دو واژه عبری هست که هر دو به صورت «برداشتن» ترجمه شده‌اند. این واژه‌ها «sur» و «rum» هستند. هر دو واژه در خدمت قدس‌گاه به کار می‌روند. «sur» به معنای برداشتن یا دور کردن است، و هنگامی که خاکسترهای مذبح در قدس‌گاه برداشته می‌شد، واژه‌ای که برای توصیف برداشتن آن خاکستر به کار می‌رفت «sur» بود. واژه «rum» به معنای بالا بردن و تعظیم کردن است، و وقتی کاهن در قدس‌گاه باید قربانی تکان‌دانی را بالا می‌برد، او می‌بایست آن قربانی را «rum» (بالا ببرد). در آیه یازده، روم بت پرست («دائمی») با بالا بردن و تعظیم کردن دین بت پرستی، بت پرستی را «rum» (برخواهد داشت).

روم بت پرست دین بت پرستی را برمی‌کشد و آن را بزرگ می‌داشت. الهی‌دانان ادونتیسیت که مدعی تخصص در زبان‌های کتاب مقدس‌اند، ترجیح می‌دهند هر مورد «away» «away» در کتاب دانیال را «remove» تلقی کنند. آنان نگارش متمایز و دقیق دانیال را به رسمیت نمی‌شناسند و از این رو خود را فراتر از پیامبر دانیال قرار می‌دهند.

الهی‌دانانی که ادعا می‌کنند زبان‌های کتاب مقدس را می‌فهمند، برای توجیه اینکه چرا دانیال با وجود به‌کار بردن دو واژه متفاوت قصد داشته همان معنا را برساند، استدلال‌هایی ارائه می‌کنند. برای پشتیبانی از ادعاهای نادرست خود، مطالعات واژه‌شناختی طولانی و ملال‌آوری ارائه می‌دهند. الهی‌دانانی که ادعا می‌کنند تاریخ کتاب مقدس را می‌فهمند، استدلال می‌کنند که آن کاربرد نادرست بر این شناخت استوار است که در دوره‌های مختلف تاریخ، یک واژه ممکن است معنای متفاوتی داشته باشد، و بنابراین، وقتی دانیال دو واژه متفاوت به کار برد، تنها یک کارشناس تاریخ می‌تواند تشخیص دهد که دانیال در واقع چه منظوری داشته است. شناسایی این دو روش نادرست مهم است، زیرا غالباً از سوی الهی‌دانانی به کار می‌روند که می‌کوشند از روش‌شناسی «خط بر خط» طفره بروند.

آری، او خود را تا حد سرور سپاه برکشید، و به دست او قربانی روزانه از میان برداشته شد و جایگاه مقدس او به زیر افکنده شد. دانیال ۱:۸.

واژه‌ای که در آیه به «از میان برداشته شد» ترجمه شده، به معنای «بالا بردن و سرفراز کردن» است؛ به معنای حذف کردن نیست. این واقعیت برای الاهی‌دانان ادونتیست موجب سردرگمی و تناقض می‌شود، زیرا مقدمات استدلالی آنان، هنگامی که تعریف واقعی واژه‌ای که دانیال به کار برده بر آیه اعمال می‌شود، در برابر یک ارزیابی ساده از آیه تاب نمی‌آورد. آنان استدلال می‌کنند «شاخ کوچک» آیه روم پاپی است و بنابراین آیه چنین خوانده می‌شود که «به دست او» (روم پاپی) «دائمی» از میان برداشته شد.

آن‌ها البته هیچ مشکلی با گنجاندن آن واژه افزوده‌ای ندارند که خواهر وایت صراحتاً می‌گوید به دست خرد انسانی افزوده شده و به متن مربوط نمی‌شود.

سپس دیدم که در ارتباط با «روزانه» (دانیال ۸:۱۲) واژه «قربانی» به واسطه حکمت انسان افزوده شده و به متن تعلق ندارد، و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت داوری را سر دادند. نوشته‌های نخستین، ۷۴.

آنها «دائمی» را خدمت مسیح در مقدس می‌دانند، پس «قربانی دائمی» این مفهوم را تأیید می‌کند که «دائمی» کار قربانیان مسیح در مقدس آسمانی است. اما الهام تصریح می‌کند که واژه «قربانی» «به متن تعلق ندارد».

وقتی مستان افرایم «دائمی» را کار مسیح در قدس می‌دانند، آن‌گاه آیه چنین خوانده می‌شود: «به دست او» (روم پاپی) «دائمی از میان برداشته شد»، یا چنین خوانده می‌شود: «به وسیله قدرت پاپی، خدمت مسیح در قدس از میان برداشته شد.» آنان واقعاً این باطل را تعلیم می‌دهند. آنان اصرار دارند که در تاریکی حکومت پاپی، فهم حقیقی خدمت مسیح در قدس از اذهان مردم زدوده شد.

با این حال، واژه‌ای که به «away» away ترجمه شده است، به معنای دور کردن نیست، بلکه به معنای برکشیدن و تجلیل کردن است. اگر به اصطلاح کارشناسان زبان‌های کتاب مقدس معنای واژه عبری «rum» را به درستی بر آن عبارت اعمال می‌کردند، ترجمه آنان باید چنین می‌گفت: «به وسیله قدرت پاپی، خدمت مسیح در مقدسگاه برکشیده و تجلیل شد.» پاپیت چه زمانی اصلاً مسیح را برکشیده و تجلیل کرده است؟

آن‌ها می‌کوشند تعریف واژه عبری «sur» را بر واژه عبری «rum» تحمیل کنند. دانیال از واژه «sur»، که به معنای برداشتن است، در پیوند با «امر روزانه» در دو آیه دیگر استفاده می‌کند، اما در آیه یازدهم، دانیال واژه «rum» را برگزید که به معنای بالا بردن و برکشیدن است. نه تنها این مجموعه افسانه‌ها درباره این آیه، به سبب تحریف معنای واژه‌ای که به «برداشتن» ترجمه شده، چیزی جز

حماقت نیست، بلکه هرگز زمانی وجود نداشته که خدمتِ قدسِ مسیح به هیچ وجه از میان انسان‌ها برداشته شده باشد.

اما این شخص، چون تا ابد باقی است، کاهنی تغییرناپذیر دارد. از این رو قادر است آنان را که به وسیله او نزد خدا می‌آیند، به کمال نجات دهد، زیرا همواره زنده است تا برای ایشان شفاعت کند. عبرانیان ۷:۲۴، ۲۵.

این ادعا که، همان‌گونه که الهی‌دانان ادونتیست برای توجیه کاربرد نادرست خود از آن آیه می‌گویند، دوره‌ای وجود داشته که نهاد پاپی نوعی قدرت را اعمال کرده تا شفاعت مسیح در مقدس‌گاه را از میان بردارد، یاوه است!

اما الاهی‌دانان تعلیم نمی‌دهند که آن آیه نشان می‌دهد پاپیتِ خدمتِ مسیح در قدس را برکشید و بزرگ داشت. آنان از معنای سخنان دانیال و ارشاد الهام‌شده الن وایت چشم می‌پوشند تا علی‌رغم گواهی سخنان دانیال، آنچه را خود می‌خواهند تعلیم دهند.

آری، او خود را تا حد سرور سپاه برکشید، و به دست او قربانی روزانه از میان برداشته شد و جایگاه مقدس او به زیر افکنده شد. دانیال ۸:۱۱.

الاهی‌دانان تعلیم می‌دهند که آیه بدین معناست: «به قدرت پاپی، خدمت مسیح در قدس از میان برداشته شد»، و این که برداشته شدن خدمت مسیح در قدس از اذهان مردم با این واقعیت پشتیبانی می‌شود که در ارتباط با این برداشته شدن، جایگاه قدس مسیح فرو افکنده شد. هیچ آیه‌ای در کلام خدا وجود ندارد که نشان دهد قدس آسمانی، که مسیح در آن شفاعت خود را انجام می‌دهد، هرگز فرو افکنده شده باشد. همچنین هیچ گذره کتاب مقدسی وجود ندارد که نشان دهد خود آسمان، که «جایگاه قدس او» است، هرگز فرو افکنده شده باشد. بار دیگر، الاهی‌دانان خود را فراتر از نبی دانیال قرار می‌دهند، زیرا اصرار دارند که «جایگاه قدس او» در آن آیه به قدس خدا اشاره دارد، با وجود این واقعیت که دانیال دقیقاً خلاف آن را تعلیم می‌دهد.

به اصطلاح متخصصان زبان عبری اصرار دارند که در آن آیه، واژه عبری «rum» باید با معنای واژه عبری «sur» فهمیده شود. آنها همچنین اصرار دارند که واژه عبری «miqdash» باید با معنای واژه عبری «qodesh» فهمیده شود. «miqdash» و «qodash» هر دو در کتاب دانیال صرفاً به «قدسگاه» ترجمه شده‌اند، با این حال معانی متفاوتی دارند. «miqdash» به هر قدسگاهی اطلاق می‌شود، چه قدسگاه خدا باشد و چه قدسگاه بت‌پرستان. این واژه عام «قدسگاه» است، اما «qodesh» در کتاب مقدس تنها برای اشاره به قدسگاه خدا به کار می‌رود.

دانیال تفاوت میان پرستشگاه مشرکان و پرستشگاه خدا را می‌دانست. اگر دانیال می‌خواست یک پرستشگاه مشرکانه را شناسایی کند، از واژه «miqdash» استفاده می‌کرد. برایم شگفت‌آور است که به اصطلاح کارشناسان زبان عبری هرگز به این واقعیت نمی‌پردازند که در چهار آیه پیاپی، دانیال هر دو واژه را سه بار به کار می‌برد. کاربرد دانیال از آن دو واژه عبری، که هر دو به «sanctuary» ترجمه شده‌اند، معنایی را که دانیال قصد داشته فهمیده شود، مشخص می‌کند.

آری، او خود را تا سرور لشکر نیز برافراشت، و به سبب او قربانی روزانه برچیده شد، و جایگاه قدس او به زیر افکنده گردید. و به سبب عصیان، لشکری بر ضد قربانی روزانه به او داده شد، و حقیقت را به زمین افکند؛ و عمل نمود و کامیاب شد. آنگاه شنیدم یکی از مقدسان سخن می‌گفت، و مقدس دیگری به آن مقدسی که سخن می‌گفت گفت: «این رؤیا درباره قربانی روزانه و عصیان ویرانگر، تا آنکه هم قدس و هم لشکر برای لگدمال شدن سپرده شوند، تا چه مدت خواهد بود؟» و به من گفت: «تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد.» دانیال

در همان فرازی که بنیان ادونتیسیم را در خود جای داده است، دانیال دو واژه عبری متفاوت به کار می‌برد که هر دو به «قدس‌گاه» ترجمه می‌شوند. در آیات سیزده و چهارده، دانیال واژه عبری‌ای را برای «قدس‌گاه» برگزیده که در کتاب مقدس فقط برای اشاره به قدس‌گاه خدا به کار می‌رود، اما در آیه یازده، دانیال از واژه عام یا کلی عبری استفاده کرده که می‌تواند به قدس‌گاه خدا یا به پرستشگاه مشرکان اطلاق شود.

اگر دانیال می‌خواست «مقدس‌گاه» در آیه یازدهم را به‌عنوان مقدس‌گاه خدا مشخص کند، از همان واژه عبری استفاده می‌کرد که در سه آیه بعدی دو بار به کار برده است. کاملاً روشن است که دانیال میان مقدس‌گاه بت‌پرستان در آیه یازدهم و مقدس‌گاه خدا در آیات سیزدهم و چهاردهم تمایز قائل می‌شود! اما مستان افرایم استدلال می‌کنند که «جای مقدس‌گاه او» که در آیه یازدهم «به زیر افکنده شد»، همان جای مقدس‌گاه خدا بود، هرچند از واژه «جای» پرهیز می‌کنند.

آنان تعلیم می‌دهند که نهاد پاپی خدمت شفاعت مسیح را از میان برد و حقیقت قدس‌گاه آسمانی را به زیر افکند. اما دانیال به روشنی بیان کرد که «قدس‌گاه» در آیه یازدهم، قدس‌گاه خدا نبود، بلکه قدس‌گاهی وثنی بود. دانیال با همان وضوح گفت که آنچه به زیر افکنده شد خود «قدس‌گاه» نبود، بلکه «جایگاه» قدس‌گاه او بود.

در حالی که از پذیرش نوسان عمده جنس دستوری در آیات نه تا دوازده سر باز می‌زنند، الهی‌دانان معاصر تعریفی از «هرروزه» را پذیرفتند که از درون پروتستانتیسم مرتد برخاسته بود و شروع کردند به پی‌ریزی پایه‌ای بر شن حدس و گمان، سنت و رسم انسانی. وقتی به آیه یازده می‌رسند، حتی اندرز الهام‌شده خواهر وایت را که تصدیق می‌کرد درک میلر از «هرروزه» به‌عنوان بت‌پرستی درست بود، رد می‌کنند و برای دفاع از دل‌بستگی‌شان به الاهیات کاتولیک و پروتستان به به‌کارگیری هنر گمراه‌سازی و گمانه‌زنی روی می‌آورند.

آنها در آیه، روم بت‌پرست را به روم پاپی تبدیل می‌کنند و معنای «برداشتن» را بر واژه‌ای تحمیل می‌کنند که به معنی «بلند کردن و برکشیدن» است. نماد شیطنی «امر دائمی» را نمادی الهی معرفی می‌کنند، و سپس اصرار می‌ورزند که معبدی بت‌پرستانه معبد خداست، در حالی که از اشاره مستقیم به «محل» قدس‌گاه پرهیز می‌کنند. و «آموزش‌ندیدگان» (چنان‌که اشعیا آنان را می‌نامد)، که تنها اگر «دانایان» به آنان بگویند چنین است چیزی را می‌فهمند، خوراک افسانه‌ها را برای هلاکت خود می‌پذیرند.

در مقاله بعدی به بررسی افزایش دانشی که در رؤیای میلر به شکل جواهرات مجسم شده است ادامه خواهیم داد.

پولس رسول به ما هشدار می‌دهد که «برخی از ایمان روی‌گردان خواهند شد و به ارواح فریبنده و تعالیم شیاطین گوش فرا خواهند داد.» انتظار چنین چیزی را باید داشته باشیم. بزرگ‌ترین آزمایش‌های ما از سوی همان گروهی خواهد آمد که زمانی مدافع حقیقت بوده‌اند، اما از آن روی‌گردان می‌شوند، به دنیا رو می‌کنند و با نفرت و تمسخر آن را زیر پا می‌گذارند. خدا برای خادمان وفادارش کاری دارد. حملات دشمن باید با حقیقت کلام او پاسخ داده شود. باید پرده از چهره دروغ برداشته شود، ماهیت حقیقی‌اش آشکار گردد، و نور شریعت یهوه در تاریکی اخلاقی جهان بتابد. ما باید ادعاها و مطالبات کلام او را عرضه کنیم. اگر از این وظیفه خطیر غفلت کنیم، بی‌گناه شمرده خواهیم شد. اما هنگامی که در دفاع از حقیقت می‌ایستیم، در دفاع از خود نایستیم و به‌خاطر اینکه فراخوانده شده‌ایم ملامت و بدنمایی را تحمل کنیم، سر و صدای زیادی به پا نکنیم. بر خود ترحم نکنیم، بلکه برای شریعت خدای متعال بسیار غیور باشیم.

رسول می‌گوید: «زمانی خواهد آمد که تعلیم صحیح را تحمل نخواهند کرد؛ بلکه بر حسب هوس‌های خود برای خویشتن معلمان بسیاری گرد خواهند آورد، با گوش‌هایی خارش‌دار؛ و گوش‌های خود را از حقیقت برخوردارند و به افسانه‌ها روی خواهند آورد.» از هر سو می‌بینیم که مردم به‌آسانی اسیر خیالات فریبنده‌ی کسانی می‌شوند که کلام خدا را باطل می‌سازند؛ اما چون حقیقت در برابرشان نهاده می‌شود، از بی‌صبری و خشم آکنده می‌گردند. اما اندرز رسول به خادم خدا این است: «در همه چیز هوشیار باش، رنج‌ها را تحمل کن، کار یک مبشر را انجام ده، خدمت خود را به کمال اثبات کن.» در روزگار او برخی امر خداوند را ترک کردند. می‌نویسد: «دیماس مرا ترک کرده، زیرا این جهان حاضر را دوست داشته است؛ و باز می‌گوید: «اسکندر مسگر به من بسیار بدی رسانید؛ خداوند او را مطابق اعمالش جزا دهد. تو نیز از او برحذر باش، زیرا سخت با سخنان ما مخالفت کرد.»

پیامبران و رسولان با آزمایش‌های مشابهی از جنس مخالفت و ملامت روبه‌رو شدند، و حتی بره بی‌عیب خدا در همه چیز همان‌گونه که ما وسوسه می‌شویم، وسوسه شد. او ستیز گناهکاران را بر ضد خود تاب آورد.

هر هشدار برای این زمان باید به امانت رسانده شود؛ اما «خادم خداوند نباید ستیزه کند، بلکه باید نسبت به همه مهربان باشد، توانا به تعلیم، شکیب‌ا؛ با حلم، کسانی را که مخالفت می‌کنند تعلیم دهد.» باید سخنان خدای خود را با دقت گرامی بداریم مبادا به سبب کارکردهای فریبنده‌ی آنان که از ایمان برگشته‌اند آلوده شویم. باید با همان سلاحی که استاد ما هنگام یورش سرور تاریکی به کار برد—«مکتوب است»—در برابر روح و نفوذ آنان مقاومت کنیم. باید بیاموزیم که کلام خدا را به مهارت به کار ببریم. اندرز این است: «بکوش تا خود را پسندیده خدا بنمایی، کارگری که شرمسار نباشد، و کلام حقیقت را به درستی تفسیر کند.» باید کار پشتکارانه و دعای جدی و ایمان باشد تا با انحراف‌های پیچیده معلمان دروغین و اغواگران مقابله کنیم؛ زیرا «در ایام آخر اوقات سخت خواهد بود. زیرا مردم خوددوست، مال‌دوست، لاف‌زن، مغرور، کفرگو، نافرمان نسبت به والدین، ناسپاس، نامقدس، بی‌عاطفه، عهدشکن، بهتان‌زن، بی‌خویشتن‌دار، خشن، دشمن نیکان، خیانتکار، شتابکار، خودبزرگ‌بین، خوشی‌دوست بیش از خدادوست خواهند بود؛ دارای صورت دینداری، اما منکر قوت آن؛ از چنین کسان دوری کن.» این سخنان، خلق و خوی مردمانی را ترسیم می‌کند که بندگان خدا ناگزیرند با آنان روبه‌رو شوند. «بهتان‌زندگان»، «دشمنان نیکان»، به کسانی که در این عصر منحط به خدای خود وفادارند حمله خواهند کرد. اما سفیر آسمان باید روحی را که در استاد ظهور یافت آشکار سازد. او باید در فروتنی و محبت برای نجات انسان‌ها تلاش کند.

«پولس در ادامه درباره‌ی کسانی که با کار خدا مخالفت می‌ورزند سخن می‌گوید و آنان را با مردانی مقایسه می‌کند که در زمان اسرائیل باستان بر ضد مؤمنان جنگیدند. او می‌گوید: «چنان‌که یئیس و یمبرس در برابر موسی ایستادگی کردند، اینان نیز با حقیقت مخالفت می‌ورزند؛ مردانی با اذهان فاسد، و از نظر ایمان مردود. اما بیش از این پیش نخواهند رفت، زیرا حماقتشان بر همگان آشکار خواهد شد، همان‌گونه که حماقت آنان نیز آشکار شد.» می‌دانیم زمانی فرا می‌رسد که حماقت جنگیدن با خدا آشکار خواهد شد. می‌توانیم با شکیبایی آرام و اعتماد صبر کنیم، فارغ از آن‌که تا چه اندازه مورد افترا و تحقیر قرار گیریم؛ زیرا «هیچ چیز پنهانی نیست که آشکار نشود»، و آنان که خدا را حرمت می‌نهند، از سوی او در حضور آدمیان و فرشتگان حرمت خواهند یافت. ما باید در رنج‌های مصلحان سهیم باشیم. نوشته شده است: «ملامت‌های آنان که تو را ملامت کردند بر من افتاد.» مسیح اندوه ما را درمی‌یابد. هیچ‌یک از ما فراخوانده نشده‌ایم که صلیب را تنها به دوش بکشیم. مرد رنج‌کش جلجتا با رنج‌های ما همدرد است، و چون خود نیز در وسوسه رنج کشیده است، می‌تواند آنان را که به خاطر او در اندوه و آزمایش‌اند یاری رساند. «بلی، هر که بخواهد در مسیح عیسی به پارسایی زندگی کند، آزار خواهد دید. اما مردم بدکار و فریبندگان بدتر و بدتر خواهند شد؛ می‌فریبند و فریب می‌خورند. اما تو در آنچه آموخته‌ای پایدار بمان.» ریویو و هرالد،

١٠ ژانویه ١٨٨٨.